



راهبر حکیم

صبح صادق

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیستم | شماره ۹۵۲ | دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۹ | ۹ شوال ۱۴۴۱ | اول ژوئن ۲۰۲۰ | ۸ صفحه

۲ سرمقاله | علی‌حیدری | انتخاب بزرگ | ۶ | علی‌قاسمی | اقتصاد درون‌زا | ۷ | مهدی‌سعیدی | اصلاحات واقعی | ۷ | عبدالله‌گنجی | ایران شوروی نیست

۶

حسن عابدینی جایگاه و نقش امام خامنه‌ای
در شکل‌گیری و حرکت محور مقاومت را بررسی می‌کند

معمار نسل نوی مقاومت اسلامی

۵

سردار سپهر
جایگاه مدیریت جهادی در معارف اسلامی
و منظومه فکری امام خامنه‌ای را بررسی می‌کند

حرکت پرشتاب در مسیر الهی

۴

حجت‌الاسلام تویسرکانی گفتمان‌سازی امام خامنه‌ای
پیرامون محوریت جمهوری اسلامی در جهان اسلام را تبیین می‌کند

پیشران تشکیل تمدن اسلامی

۲

بررسی ابعاد مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب
در گفت‌وگوی صبح صادق با نماینده ولی فقیه در سپاه

احیای اسلام و زمینه‌سازی ظهور مأموریت انقلاب اسلامی است

| سرمقاله |

انتخاب بزرگ

علی حدیری

سردبیر

پس از ارتحال جان‌سوز امام روح‌الله(ره)، در کنار غم سترگ از دست دادن بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، دغدغه و دلهره‌ای در دل مؤمنان پدیدار شد و آن نگرانی از فردای انقلاب در فقدان رهبر کبیر آن بود. ملت بزرگ ایران وقتی از سال ۱۳۴۲ حرکت خود را برای برچیدن استبداد شاهنشاهی و رهایی از یوغ استکبار با اقدا به بزرگ‌مرد عصر حاضر آغاز کرد و ۱۵ سال بعد میوه پیروزی را چشید هیچ‌گاه به این موضوع فکر نمی‌کرد روزی فرا برسد که ناخدای کشتی انقلاب رخ در نقاب هجران بکشد. این نگرانی شاید از آنجا ناشی می‌شد که مردم ایران می‌دانستند بسیاری از نهضت‌ها و حرکت‌های انقلابی در جهان با فقدان رهبری محکوم به شکست بوده‌اند یا از مسیر اصلی خود منحرف شده‌اند. اما دیری نپایید و در کمتر از ۲۴ ساعت، خیرگان ملت که یکی از وظایف مهم آنها تدبیر برای انتخاب رهبری است، گرد هم آمدند و در فرایندی قانونی، روشن و متکی بر خواست ملت که در منتخبان‌شان در مجلس خبرگان متجلی بود، یکی از شاگردان و یاران صدیق امام راحل(ره) را به رهبری انقلاب برگزیدند. انتخابی که در اوج مصیبت و درد فراق خمینی کبیر(ره)، مرهمی بر دل‌های مردم شد و اطمینان قلبی آنان را در پی داشت، به‌ویژه وقتی که از زبان جانشین امام‌شان شنیدند: «دوران امام خمینی(ره) ادامه دارد و خواهد داشت. راه او راه ما، هدف او هدف ما و رهنمود او مشعل فروزنده ماست.»

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای اگر چه در روز انتخاب رهبری، یکی از مخالفان سرسخت انتخاب خودشان بودند، اما وقتی پس از بحث‌های فراوان، منتخب خبرگان ملت شدند، این بار سنگین را با قدرت و قوت بر دوش کشیدند: «...حالا که این بار را روی دوش من گذاشتند، باقوت خواهم گرفت؛ آن‌چنان که خدای متعال به پیامبرانش توصیه فرمود: خذها بقوه»

و امروز ۳۱ سال از آن عروج سخت و غمناک و آن انتخاب بزرگ و بربرکت می‌گذرد؛ ۳۱ سالی که اگر چه با پایان جنگ نظامی آغاز شد، اما پیر از فراز و نشیب‌ها، پیچ‌وخم‌ها و تلاطم‌هایی بود که به‌یقین عبور از آنها جز با دوراندیشی‌ها، تدابیر و تصمیمات کلان و در یک جمله، هدایت‌های الهی رهبر حکیم انقلاب میسر نمی‌شد. رهبر معظم انقلاب که یکی از پیشروان مؤثر در حرکت انقلابی مردم ایران به رهبری اسام خمینی(ره) بودند، امروز به عنوان رهبری تمام‌عیار و مدیری جامع‌الاطراف، با روحیه انقلابی و باورمند به استقلال کشور، مردم‌دار و آشنا با مشکلات و دردهای مردم، حرکت کشور در مسیر رشد و بالندگی را راهبری می‌کنند و در عین حال با شجاعت و صلابت در برابر دشمنان ملت ایران ایستاده‌اند. پس از گذشت بیش از سه دهه از رهبری معظم‌له، دوستان و دشمنان به این واقعیت معترف هستند که کسی در تراز ایشان و دارای شایستگی‌های رهبری وجود ندارد و این از ظرفیت عظیم معنوی، دینی، علمی و مدیریتی معظم‌له و عنایت الهی بر وجود ایشان حکایت دارد، و چه نعمتی بالاتر از اینکه ولی امری با این ویژگی‌ها هدایت جامعه اسلامی و حکومت بر قلب‌های میلیون‌ها مسلمان در سراسر جهان را بر عهده دارد.

بفرمایید اساساً مرحله‌بندی انقلاب اسلامی از جانب رهبر معظم انقلاب برای چه انجام شده است؟

قبل از پاسخ باید اشاره کنم حضرت امام(ره) حق حیات به گردن ما دارد؛ چون امام راحل با انقلاب، اسلام ناب را زنده کرد و قرآن باصراحت می‌گوید عمل به اسلام و خود اسلام عامل حیات است. امام خمینی(ره) اسلامی را که در حد یک پوستر و نقاشی بی‌خاصیت شده بود، به اسلام زنده تبدیل کرد؛ لذا ایشان حق حیات به گردن ما دارد و ما در هر زمانی باید به این امر توجه داشته باشیم. نکته بعدی اینکه هرگز ۱۴ خرداد برای ما نقطه پایان امام(ره) نیست؛ بنیانگذار انقلاب مانند کسانی که از آنها خط گرفت، یعنی اهل بیت عصمت و طهارت(ع) شروع دارد، اما پایان ندارد. امام(ره) انقلابی را به پا کرد و کار بزرگی انجام داد و در عصر جدید، منشأ بسیاری از تحولات جهانی شد و می‌شود. انقلاب اسلامی مأمور به احیای اسلام بود و مأموریت زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان(عج) را هم دارد.

انقلاب اسام خمینی(ره) هدفمند بود؛ همه انبیا و ائمه هدف اصلی‌شان رهایی انسان‌ها از سلطه و حاکمیت انسان‌ها و قدرت‌های دیگر و بهره‌مند کردن آنها از ولایت الله و حاکمیت الهی بود. تعالی انسان فقط در پرتوی ولایت الله است. نکته آخر قبل از پاسخ به پرسش شما اینکه مابقی مکاتب نمی‌توانند مدعی تمدن انسانی باشند؛ چون تک‌بعدی و محصور در مسائل جسمانی و مادی هستند و حقیقت انسان در آنها وجود ندارد. آن تمدنی که همه ابعاد وجودی انسان را پوشش می‌دهد، اسلام است؛ لذا انقلاب هدف و آرمان دارد و بر همین اساس، هم در دوران امام(ره) و هم در دوران بعد از ایشان، آنچه اتفاق افتاده این است که حرکت انقلاب تداوم داشته است، هر چند احتمال داشت سرعت آن کم و زیاد شود. انقلاب اسلامی گام‌به‌گام عالم را برای پذیرش تمدن نوین اسلامی آماده می‌کند. اگر حرکت پیامبر(ص) بعد از وفات ایشان متوقف شد و بعد از ۲۵ سال حضرت علی(ع) فقط توانست کمتر از پنج سال حکومت ولایتی تشکیل دهد، به برکت امام راحل و رهبر معظم انقلاب و این مردم باید بگوییم بعد از امام(ره)، بیش از ۳۰ سال است که حرکت این انقلاب ادامه دارد و وارد چهل ساله دوم شده است که

بررسی ابعاد مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب در گفت‌وگوی صبح صادق با نماینده ولی فقیه در سپاه

احیای اسلام و زمینه‌سازی ظهور مأموریت انقلاب اسلامی است



عکس: حامد گودرزی

رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان شبیه‌ترین فرد به امام خمینی(ره) و شایسته‌ترین فرد موجود، به عنوان امام بعد از ایشان، سکان کشتی انقلاب را به دست گرفتند و سه دهه بعد از امام(ره) این کشتی را به سمت چراغ هدایت حرکت دادند و در این مسیر برخی ابعاد را برای همراهان در این کشتی بیان فرمودند. یکی از ابعاد راهبردی تبیین شده از جانب ایشان در این مسیر، مرحله‌بندی حرکت انقلاب اسلامی برای نیل به تمدن نوین و جهانی اسلام بود که به یکی از مأموریت‌های اصلی انقلاب، یعنی ظهورمنتج خواهد شد. این مراحل پنج‌گانه شامل؛ ۱-انقلاب اسلامی ۲-تشکیل نظام اسلامی ۳-تشکیل دولت اسلامی ۴-تشکیل کشور اسلامی و ۵-تشکیل تمدن اسلامی است. برای تبیین ابعاد این مرحله‌بندی و شناخت مبانی قرآنی آن به سراغ نماینده ولی فقیه در سپاه رفتم که خود مفسر قرآن است. حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر «عبدالله حاجی صادقی» در این گفت‌وگو پیرامون ادله قرآنی مرحله‌بندی پنج‌گانه انقلاب اسلامی از جانب رهبر معظم انقلاب را تبیین کرد.

احسان امیری

خبرنگار

و خداوند در قرآن تبعیت از پیامبر را موجب حیات طیبه می‌داند و حیات طیبه را موجب نجات و آزادی. در سوره اعراف آمده است: پیامبر امی و بی‌سواد را فرستادیم؛ یعنی از خودش چیزی ندارد و مأمور خداست؛ او احیاگر خوبی‌ها و معروفات و سرکوب‌کننده زشتی‌ها و منکرات است؛ طیبات را برای شما حلال می‌کند و شما را از حرام‌ها باز می‌دارد، و در نهایت می‌فرماید پیروان پیامبر مفلحون و سعادتمندان در دنیا و آخرت هستند. انسان ازلی نیست، اما ابدی است و ابدیتش را در همین دنیا می‌سازد؛ اسلام هم فقط آخرت ما را نمی‌سازد؛ دنیا را هم می‌سازد. ارزش‌ها هم در اسلام مهم است. قرآن خودسازی و تقوا، علم و دانش، روحیه جهادی و خدمت به مردم و... را ارزش تلقی می‌کند که این ارزش‌های رایج در تمدن اسلامی و انسانی است.

دسته دیگری از آیات هم این نکته را بیان می‌کند که هر زمان مؤمنان به حکومت دست پیدا کنند، به دنبال اقامه دین هستند؛ آیه ۴۱ سوره حج چنین بیانی دارد. این هم دلیلی قرآنی برای مرحله‌بندی انقلاب اسلامی؛ اما همه آیات این حوزه ایجابی نیستند و نکات سلبی هم وجود دارد؛ مانند آیات بازدارنده در قرآن که تبعیت از فرهنگ‌های دیگر را نهی می‌کند؛ چراکه ما را به تمدن انسانی و اسلامی نمی‌رساند. آیاتی داریم که به ما می‌گوید اگر می‌خواهید به این تمدن انسانی و دین‌محور برسید، نباید جای دیگر دنبال آن بگردید و آیه ۱۱۳ سوره هود می‌فرماید با تکیه بر دشمنان و ظالمان، نه تنها به تمدن اسلامی نمی‌رسید، بلکه آتش می‌گیرید و ولایت خدا و نصرت الهی را هم از دست می‌دهید.

قرآن در جایی دیگر به مسلمانان می‌گوید در برابر دشمن منفعل نباشید، یا باصراحت می‌گوید اگر از شما مسلمان‌ها کسی در برابر دشمنان منفعل شود و ارتباط دوستی برقرار کند، چه آشکار و چه پنهان، او از ما نیست و در جامعه اسلامی و تمدن اسلامی جایی ندارد. در سوره ممتحنه بعد از اینکه مسلمانان را از اعتماد و اعتقاد به دشمن نهی می‌کند، با صراحت بیشتری می‌فرماید اگر چنین کاری کنید، راه را گم کرده‌اید و به مسیر تمدن اسلامی نمی‌رسید؛ در نهایت برای تمدن اسلامی یک راه است؛ همان صراط مستقیم که در قرآن بیان شده است و ده بار در نمازهای واجب روزانه آن را از خدا می‌خواهیم.

حدی انجام شده است، اما تا زمانی که انتخاب‌های خودمان را در ریاست جمهوری، مجلس و شوراها سامان ندهیم و انتخاب ما بر اساس شاخص‌های نظام ولایتی نباشد، همین روند ادامه خواهد داشت. اگر بدون رودریاستی بخوایم پاسخ این پرسش را بدهم، باید بگویم چون نتوانستیم به مردم کمک و آنها متقاعد کنیم که شاخص‌های اصلی در انتخابات، اصول و ارزش‌های انقلابی باشد. مردم باید باور کنند حتی برای حل مشکلات دنیایی و اقتصادی خود، باید سراغ انسان‌هایی بروند که در تراز دولت اسلامی هستند؛ مجلس، رئیس‌جمهور و شوراها در تراز، دولت اسلامی را محقق می‌کنند. در واقع قانون و مجری، سهم خدا و پذیرش و همراهی، سهم مردم در این دولت اسلامی است.

چه ادله قرآنی برای تبیین مرحله‌بندی پنج‌گانه رهبر معظم انقلاب برای انقلاب اسلامی وجود دارد؟

مبانی قرآنی بحث مراحل پنج‌گانه انقلاب زیاد است؛ مانند آیاتی که اقامه دین را وظیفه همه پیامبران، به‌ویژه پیامبران، اولوالعزم معرفی کرده است. در آیه ۱۳ سوره شعرا، مأموریت پنج پیامبر اولوالعزم زنده کردن دین خدا و اجرای احکام الهی معرفی می‌شود؛ به تعبیری این همان دست یافتن به تمدن اسلامی است که مسیرش اقامه دین خداست؛ تا دین خدا اقامه نشود، نمی‌توانیم امیدوار باشیم که به تمدن اسلامی برسیم؛ همان مسیری که تا مرحله پنجم، یعنی نیل به دولت و جامعه اسلامی تبیین شده است. تمدن اسلامی مبتنی بر دو اصل قانون الهی و حاکمیت الهی است. آیات فراوانی وجود دارد که به ما می‌گوید تابع حکم الله باشید؛ در قرآن بیان شده است تبعیت از حکم الله برای خدا سودی ندارد؛ درواقع حکم الله برای این است که ما به سود برسیم.

مصدق این سخن در سوره یوسف و داستان آن حضرت(ع) است که در پی تبعیت از حکم الله، مردم مصر در دوران خشکسالی و فتنه مشرکان و کافران، سربلند بیرون آمدند و عزیز شدند.

آیاتی هم به وظایف پیامبران و رهبران الهی اشاره دارند؛ اصلاح یکی از این وظایف است. این شعار پیامبران است که ما جز برای اصلاح امور مردم نیامده‌ایم. پیامبران مصلح امت خود بوده‌اند

در تاریخ سابقه ندارد و این به برکت بصیرت مردمی است که بعد از امام(ره) ذیل زعامت کسی رفتند که از جنس ایشان و تربیت‌شده مکتب وی بود و خود کاملاً به راه امام(ره) مسلط بود و هیچ کس شایسته‌تر از ایشان برای تداوم راه امام(ره) وجود ندارد. ایشان از همان روز اول فرمودند: راه ما راه امام(ره)، هدف او هدف ما و رهنمود او مشعل فروزنده ماست؛ نفرمودند امام، امام بود و من هم خود هستم و راه خود را می‌روم. همان مسیر بنیانگذار انقلاب را که مسیر ائمه بود، ادامه دادند. این مقدمات را عرض کردم که به مراحل پنج‌گانه برسیم که در همین راستاست. رهبر معظم انقلاب بعد از امام(ره) در ادامه مسیر ایشان مرحله‌ای را برای ما ترسیم کردند؛ این مراحل همان مراحل حرکت حضرت امام خمینی(ره) و تداوم آن است که از پیروزی انقلاب تا به امروز که در مرحله ساخت دولت اسلامی است تداوم پیدا کرده و دو مرحله بعدی هنوز شروع نشده است.

سؤال بعدی ما همین است؛ چرا ما در مرحله سوم از مراحل حرکت انقلاب اسلامی درجا می‌زنیم و نمی‌توانیم وارد مرحله چهارم بشوم؟

مرحله پنجم، طراحی تمدن جهانی اسلام است. باید توجه داشت در مرحله اول و دوم بخشی از این مرحله آخر تحقق یافته است؛ اما درباره اینکه چرا ما در مرحله سوم مانده‌ایم باید گفت تحقق تحقق مرحله سوم بعد از اینکه از سوی پیشکسوتان انقلاب معطل مانده، مبتنی بر بیانیه گام‌دوم انقلاب بر عهده‌جوانان گذاشته شد. من معتقدم علت ماندن ما در این مرحله عوامل مختلفی است؛ اما اصلی‌ترین دلیل این است که باید برای ساختار حاکمیت و قوای مختلف کشور و انتخاب مسئولان، مردم متناسب با تمدن اسلامی انتخاب کنند. علت اینکه موفق نبودیم این است که خواستیم به آن اصل اساسی دینی که مردم‌سالاری دینی است، عمل کنیم و باید هم عمل کنیم؛ ولی در کنارش به مردم آگاهی، جهت‌دهی و بصیرت لازم را ندادیم که انتخاب مردم باید چه شاخصه‌هایی داشته باشد. تربیت نیروی انسانی ماهر و کادرسازی برای نظام هم که مبتنی بر باور دینی و احکام الهی و متناسب با نظام ولایتی اقدام کنند، لازم بوده که تا

یادداشت

کوشی برای حذف
ایدئولوژی انقلابی

مهدی جمشیدی

کارشناس
اندیشه اسلامی

حساسیت و دغدغه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای نسبت به «انقلابی‌گری»، به‌تازگی و در دوره اخیر پدید نیامده است؛ بلکه از زمان رحلت امام خمینی(ره) به‌این‌سو که ایشان زمام را به‌دست گرفتند، همواره این امر در گفت‌ها و سخنرانی‌های ایشان نمایان بوده است حال که از بازی‌های زبانی نیزوهای توجیه‌گر سازش سخن به میان آمد، لازم است توضیح داده شود که اینان چه شگردهایی را در برابر مفهوم انقلابی‌گری به‌کار بستند.

اولاً، انقلابی‌گری، مخالفت با «عقلانیت» است؛ چرا که انسان انقلابی، اهل اندیشه‌ورزی و محاسبات منطقی و عقلانی نیست؛ بلکه «شتابزده» و «سنسجیده» تنها تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند. از این‌رو، فرصت‌ها و امکان‌ها را می‌سوزاند و تباه می‌کند. «هیجان‌زدگی» و «احساس‌مداری»، مؤلفه ذاتی انقلابی‌گری است و انسان انقلابی، انسان گرفتار «شور» و هیجان‌گور و کودکانه» است و با عقل و تدبیر، بیگانه است. ثانیاً، انقلابی‌گری، مخالفت با «علم» است و انسان انقلابی، تحلیل‌ها و برداشت‌های عالمانه و کارشناسی را بر نمی‌تابد؛ بلکه «خودسرانه» و «خودمركزبینانه»، هر آنچه را که می‌پسندد، به اجرا درمی‌آورد و از همین‌رو خسارت و هزینه می‌آفریند.ثالثاً، نیروهای مدعی انقلابی‌گری، «هرج‌ومرج‌طلب» و «تدرو» هستند و نظم و قواعد تثبیت‌شده را بر نمی‌تابند و جامعه را دستخوش «بحران» و «آشوب» می‌کنند. اینان می‌پندارند همچنان‌که در زمان انقلاب، باید بر حکومت و قواعد آن شورید و جامعه را متلاطم کرد. رابعاً، انقلابی‌گری، «خشونت‌طلبی» و «استیزه‌جویی با جهان» است و انسان انقلابی، در پی ایجاد «شکاف» و «تش» است و می‌خواهد همه را «دشمن» خویش تصور کند. به بیان دیگر، انقلابی‌ها «جنگ‌طلب» و «تش‌ساز» هستند و در میانه صفر و صد، هیچ حدی را نمی‌بینند. در مقابل، آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای نیز افزون‌بر آنکه مفهوم انقلابی‌گری را از این برچسب‌های تخریب‌کننده پاک کردند، به نیروهای مدعی نیز تاختند و از خصایص آنها سخن گفتند. ایشان به‌روشنی می‌دانستند که چنانچه سکوت اختیار کنند و نظاره‌گر روند تخریب‌گری این نیروها باشند، جامعه نیز با آنها هم‌داستان خواهد شد و چندی بعد، اتفاقی برای انقلاب رخ خواهد داد که بر سر انقلاب‌های دیگر آمداولاً، اینکه با «استدلال‌های عمل‌گرایانه»، در هر مقطع، پاره‌ای از خصوصیات ارزشی خویش را کنار بنهیم و با توجیه «عبورکردن از مشکلات روزمره»، حقایق انقلابی را یکی پس از دیگری، قربانی کنیم، «حد» و «نهایت» ندارد و در آخر نیز، چیزی از «هویت انقلاب» باقی نخواهد گذاشت.

ثانیاً، نباید با رجا‌زدن به «واقعیت‌ها»ی موجود، انقلابی‌گری را «مانع» و «مزاحم» معرفی کرد؛ بلکه باید واقعیت‌ها را تغییر داده و بشکنیم یا راه‌های دیگری برای حرکت بیابیم.ثالثاً، کسانی مدعی هستند «چالش» با جهان‌هزینه دارد، حال آنکه «سازش» با جهان نیز هزینه دارد؛ در این تفاوت که چالش با جهان، هم هزینه کمتری دارد و هم در نهایت، به‌نفع ما تمام خواهد شد. رابعاً، ایدئولوژی انقلاب، همان «هویت» ماست و ما نباید به‌واسطه ملاحظات جهانی و اینکه «منافع ملی» بر «هویت ملی» ترجیح دارد، از انقلابی‌گری دست بکشیم.



عزت‌بخش و پیشرفت‌آفرین

نگاهی به اهمیت و جایگاه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

معظم انقلاب اسلامی(مدظله‌العالی)، تثبیت و نهادینه‌کردن رویکردها و جهت‌گیری‌های صحیح با هدف پیشرفت همه‌جانبه ملت ایران است. نکته مهم آن است که بر اساس بیانیه گام دوم، اصل پدیده انقلاب اسلامی نقطه‌ای بود که زنجیرهای اسارت و توقف را از دست و پای ملت ایران زدود و راه را برای پیشرفت باز کرد. رویکردهای انقلاب اسلامی در همه عرصه‌های یاد شده در سطرهای فوق، منطق با اصول و قواعدی است که یک نظام سیاسی برای پیشرفت خود به آن محتاج است؛ هر چند در اینکه این رویکردها تا چه اندازه به اقدام و عمل تبدیل شده، اختلاف است؛ اما در این نقطه، اشتراک نظر تقریباً فراگیر است که انقلاب اسلامی و رهبران آن، یک مسیر روشن و تاریخی را پیش روی ملت ایران برای پیمودن راه پیشرفت و رسیدن به آرمان‌هایش هموار کرده‌اند. بر این اساس و بر مبنای نقش تاریخی امامین انقلاب اسلامی رویکردهای پیش روی ملت ایران به این شکل صورت‌بندی شده است:

در عرصه سیاست خارجی؛ بر اساس قاعده نفی سبیل، تسلط هیچ قدرتی بر نظام جمهوری اسلامی پذیرفته نمی‌شود؛ حال آنکه در دوره پهلوی اول و دوم سیاست خارجی کشور بر اساس همراهی با آمریکا و منافع آن کشور ترسیم شده بود. بسیاری از متفکران مدل سیاست خارجی دوره پهلوی را بر اساس الگوی «دست‌نشان‌دگی» و «حامی-پیرو» تحلیل و تفسیر می‌کنند. در عرصه سیاست داخلی؛ مردم از طریق انتخابات، تفکیک قوا و دیگر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در سرنوشت خود نقش ایفا می‌کنند؛ این در حالی است که در دوره پیش از انقلاب

در منطقه بودند و چون وضع به این منوال بود، تمامیت ارضی ایران در مخاطره قرار داشت؛ همچنان که بخش‌های مهمی از خاک ایران در دوره پهلوی به تاراج رفت. در بخش اقتصادی نیز کشور چندان وضعیت مناسبی نداشت، خبری از زیرساخت‌های اساسی مورد نیاز کشور نبود، عدالت اجتماعی و دسترسی مردم به خدمات اجتماعی بنا به آمارها و گزارش‌های معتبر داخلی و خارجی در بدترین وضعیت ممکن بود. در بخش فرهنگ نیز حکومت پهلوی نه به فرهنگ اسلامی معتقد بود و نه به فرهنگ ایرانی باور داشت؛ بلکه مصمم بود ایران از نظر فرهنگی باید غربی شود تا به توسعه دست یابد.

سخن اساسی آن است که اگر کشوری در حوزه امنیت به جای استحکام مؤلفه‌های درونی امنیت، به فکر تعریف کردن خود در ذیل ایرقدرت‌ها باشد، قادر نخواهد بسود امنیت پایدار و مطلوب را برای ملت خود به ارمغان آورد؛ اگر یک نظام سیاسی در عرصه سیاست داخلی، رویکرد سرکوب و مشت آهنین را در پیش گیرد و اعتقادی به آزادی‌های سیاسی و حق تعیین سرنوشت برای مردم خود نداشته باشد دچار فقدان مقبولیت و پایگاه مردمی خواهد شد؛ اگر یک حکومت در زمینه سیاست خارجی رویکرد تابع قدرت‌های بزرگ بودن را ایده خود بداند و منطق با منافع ملی نتواند تصمیم بگیرد، در بزنگاه‌ها حتماً گرفتار و تنها خواهد شد؛ اگر دولتی در عرصه فرهنگ یا اقتصاد به جای الگوهای بومی و ملی، به‌فکر نسخه‌ها و تجویزهای وارداتی و تقلیدی باشد، نه فرهنگ و نه اقتصاد آن، رنگ ارتقا و پیشرفت به خود نخواهد دید.

اهتمام حضرت امام(ره) و پس از ایشان رهبر

عزیز غضنفری

کارشناس سیاسی



یکی از نقاط عطف در تاریخ دوران مدیریت رهبر معظم انقلاب اسلامی، صدور بیانیه گام دوم انقلاب است. صدور این بیانیه که مشتمل بر توصیف سه وضعیت گذشته، حال و آینده است، روایت تاریخ چهل ساله سپری شده بر انقلاب اسلامی، تحلیل وضعیت کنونی و تبیین افق و آینده پیش روی انقلاب را به مخاطبان ارائه می‌کند. رهبر حکیم انقلاب گذشته انقلاب را پرفراز و نشیب روایت می‌کنند، به نقطه چهل سالگی و موقعیت انقلاب با رویکردی آسیب‌شناسی می‌نگرند و در نهایت قضاوت و ارزیابی‌شان از آینده انقلاب روشن و امیدوارانه است.

توجه و تأمل در این مسئله حائز اهمیت است که انقلاب اسلامی اوضاع سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی کشور را در چه وضعیتی از رژیم گذشته به ارث برده است؟ واقعیت آن است که انقلاب اسلامی کشور را در وضعیت سیاسی و حق مردم در سرنوشت خود در شرایطی از رژیم گذشته به میراث برد که نه تنها انتخابات و سازوکارهای دموکراتیک کاملاً مفقود بود، بلکه برای اینکه مردم آزادانه مطالبات خود را مطرح نکنند، سرکوب و خفقان حاکم بود. در بخش امنیتی و سیاست خارجی، حکومت پهلوی برای حفظ بقای خود، مقدرات امنیتی را در اختیار قدرت‌های خارجی قرار داده بودند و عملاً مهره انگلیس و آمریکا برای اجرای سیاست‌های آنها

استحکام‌بخش ساخت درونی قدرت

نگاه راهبردی رهبر حکیم انقلاب اسلامی به مصون‌سازی و پیشبرد ایران

اقتصاد به منزله مسئله اصلی کشور از سوی معظم‌له و ارانسه راهکارهای متعدد اقتصادی برای فایز آمدن بر مشکلات اقتصادی کشور، مانند اقتصاد مقاومتی و طرح شعارهای سالیانه با محوریت حل مسائل اقتصادی از قبیل جهش تولید، رونق تولید، حمایت از کالای ایرانی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، اصلاح الگوی مصرف و... اشاره کرد. علاوه بر این، ایشان در شناسایی و تلاش برای ترمیم نقاط ضعف ملی در حوزه‌های غیراقتصادی هم توجه جدی داشته‌اند. برای نمونه، در حوزه فرهنگی، ایشان همواره به تهاجم دشمن به باورها و فرهنگ کشور توجه داشته‌اند و از ابتدای زعامت‌شان تاکنون با تعبیری چون شیخون فرهنگی، قتل‌عام فرهنگی، تهاجم فرهنگی، جنگ نرم و... تلاش کرده‌اند به مصون‌سازی این بعد از قدرت ملی در برابر تهدیدهای دشمن دست بزنند. در حوزه سیاسی نیز ایشان در شناسایی و تلاش برای ترمیم نقاط آسیب‌پذیر قدرت ملی با ارائه راهکارهای منطقی و حساب‌شده موفق بوده‌اند. برای نمونه، ایشان با تأکید بر ضرورت حفظ استقلال کشور در برابر بیگانگان در حوزه‌های گوناگون یا گوشزد کردن توطئه‌هایی چون نفوذ، درصدد بوده‌اند حیات سیاسی کشور را از آسیب انحراف از صراط مستقیم انقلاب و تهدید رخنه دشمن در میان مسئولان مصون کنند.

در ارتباط با ظرفیت‌سازی برای کشور و به عبارت دقیق‌تر، تولید قدرت نیز می‌توان به دقت و تأکید ایشان در حوزه‌های علمی و فناوریانه، مانند نهضت نرم‌افزاری و تولید علم از قبیل حوزه دانش‌های راهبردی مانند فناوری هسته‌ای، سلول‌های بنیادین، فناوری فضایی، فناوری نانو و... و راهبری دستیابی کشور به توان دفاعی بازدارنده از قبیل موشک‌های بالستیک نقطه‌زن، ماهواره فضایی نور و...، توسعه نفوذ منطقه‌ای و... اشاره کرد. در واقع، موارد مذکور از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که معظم‌له در دوره زعامت‌شان در راستای استحکام‌بخشی ساخت درونی قدرت نظام بر آنها تأکید کرده و حتی هدایت و راهبری بخش عمده آنها را نیز برعهده داشته‌اند. نکته مهمی که در این زمینه باید به آن اشاره کرد، نتایج این استحکام‌بخشی است. به عبارتی، هرگاه از این قبیل اقدامات بحث می‌شود، بلافاصله این پرسش مطرح می‌شود که اگر در حوزه‌های مذکور دستاورد داشته‌ایم، نتیجه آن برای مردم چه بوده است؟ در پاسخ می‌گوییم که مهم‌ترین تأثیر این استحکام‌بخشی، مصون‌سازی کشور از بسیاری از تهدیدات بوده، به گونه‌ای که پایداری و بقای کشور و وضعیت زندگی مردم در امنیت و آرامش حفظ شده است. به زبان ساده‌تر، اهمیت این استحکام‌بخشی را باید با توجه به حجم فشارهای خارجی بر کشور ارزیابی کرد؛ به این ترتیب که

به میزانی که ساخت درونی قدرت در کشور از استحکام برخوردار بوده است، توانسته‌ایم در مقابل فشارهای خارجی مقاومت سازنده داشته باشیم. برای نمونه، وقتی دشمن بر تحریم‌های فلج‌کننده علیه کشورمان متمرکز است، اگر توان راهبردی دفاعی و بازدارنده بومی یا به عبارتی، ساخت مستحکم دفاعی کشور نبود، دشمن هیچ ابایی از تهاجم نظامی علیه کشورمان نداشت یا اینکه اگر استحکام ساخت علمی کشور در حوزه‌های دانش‌بنیان نبود، در برهه مقابله با کرونا، بلافاصله تجهیزات لازم از قبیل کیت تشخیص، ماسک و... ساخته نمی‌شد و چه بسا وضعیت کشور به لحاظ شیوع کرونا، بسیار وخیم‌تر می‌بود. در پایان باید گفت، اگر چه استحکام‌بخشی ساخت درونی قدرت مسئله‌ای است که به‌ویژه از سال ۱۳۹۲ مورد توجه رهبر معظم انقلاب بوده است، اما سیره عملی ایشان گویای توجه ویژه و دانمی به این مسئله است؛ زیرا مدت‌ها پیش از این، معظم‌له به تولید قدرت درون‌زا در حوزه‌های گوناگون توجه داشته‌اند. دقت و توجه همیشگی ایشان به استحکام ساخت درونی قدرت نشان می‌دهد، این مهم، موضوعی همیشگی است و در هیچ شرایطی، از اهمیت و ضرورت آن کاسته نمی‌شود. هرچند در برهه پس از اعمال تحریم‌های فلج‌کننده علیه کشورمان، بر میزان تأکیدهای ایشان بر این مسئله افزوده شده است.

مصطفی قربانی

کارشناس سیاسی



از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، استحکام ساخت درونی قدرت، ناظر بر تقویت همه ابعاد و زمینه‌های قدرت است. ایشان به نوعی استحکام ساخت درونی را استحکام همزمان سخت‌افزار و نرم‌افزار انقلاب می‌دانند و از آن به استحکام «ساخت حقوقی و ساخت حقیقی» تعبیر می‌کنند. بنابر این، استحکام ساخت درونی قدرت به معنای شناسایی و ترمیم نقاط ضعف و آسیب‌پذیر قدرت ملی در ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به منظور مصون‌سازی آن در برابر انواع آسیب‌ها و تهدیدها و تقویت تاب‌آوری و ارتقای ظرفیت‌های نظام است. بنابر این، می‌توان گفت استحکام‌بخشی ساخت درونی مشتمل بر دو بُعد است؛ شناسایی و ترمیم نقاط ضعف و آسیب‌پذیر قدرت ملی و ارائه راه‌حل برای مرتفع‌سازی آنها و اتخاذ راهبردهایی برای تولید قدرت درون‌زا و ارتقای ظرفیت‌های نظام. بر اساس این، سؤال این است که رهبر معظم انقلاب در بیش از دو دهه زعامت خود در راستای استحکام‌بخشی ساخت درونی قدرت نظام چه کرده‌اند؟ در ارتباط با بُعد اول، می‌توان به در نظر گرفتن



یادداشت

درختی به تنومندی
دل‌های عاشق

سعید
پور ملانی‌هریس
کارشناس سیاسی

اگر بر آنچه در دل‌ها نهفته است هم چشم ببندیم، درخت تنومند محبت حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در دل‌های مردم، افزون بر صدها صفحه در شبکه‌های اجتماعی-که عکس و نقش امام‌شان را بر پروفایل خود حک کرده‌اند- در تصاویر بازدید ایشان از مناطق زلزله‌زده پدیدار می‌شود. همان‌جا که مرد سالخورده درد کشیده‌ای چنان دست امامش را در دست می‌فشد که گویا رفیق صد ساله خود را یافته است یا پیروزی چنان به شوق دیدن روی ولی خود اشک می‌ریزد و می‌دود که غم‌آوار به گرد پایش هم نمی‌رسد. رشته این درخت محبت را که اگر دو سویه نبود تنه‌ای به این تنومندی نداشت، نخست باید در مشی شخصی آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای دید. اگر مردمی نمی‌دیدند که رهبرشان در مرکز شهر همسایه آنهاست و فرزندانش همچون فرزندان آنها بی‌تشریفات می‌روند و می‌آیند و گاهی در حرم شاه عبدالعظیم کنار دست آنها با اشک چشم حاجت می‌طلبند، کجا چنین دل بر دل ولی‌شان می‌تابانند؟! اگر مردمی نمی‌دیدند که رهبرشان برای ورزش صبح جمعه نه فلان کاخ کنار دریای شمال، که ارتفاعات تهران را بر می‌گزیند و با کاپشنی ایرانی هم‌قدم آنها می‌شود کجا چنان به اشاره ایشان برای کمک‌های مؤمنانه در ایام کرونا لبیک می‌گفتند و از جان مایه می‌گذاشتند؟! درخت تنومند مردم‌داری رهبر معظم انقلاب که سایه شاخ و برگ‌هایش بر هر کران از جهان اسلام ریشه دوانده و عشاق بسیاری را مشتاق کرده، رایحه‌ای از نگاه‌والای

ایشان به جایگاه مردم در اندیشه سیاسی است. در اندیشه سیاسی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) مردم در دوران غیبت نه تنها به نظام سیاسی مقبولیت می‌بخشند؛ بلکه در مشروعیت‌بخشی به آن نیز سهیم هستند. ایشان به صراحت مردم را در کنار تقوا و عدالت نشانده و می‌فرمایند: «در اسلام مردم یک رکن مشروعیتند، نه همه پایه مشروعیت. نظام سیاسی در اسلام علاوه بر رأی و خواست مردم، بر پایه اساسی دیگری هم که تقوا و عدالت نامیده می‌شود، استوار است.»

اهمیت مردم در اندیشه سیاسی ایشان آنگاه پررنگ‌تر می‌شود که ایشان توضیح می‌دهند: «اگر مردم حاکمی راه، آن شخصی را که دارای مَلَک‌های حکومت است، نشناختند و او را به حکومت نپذیرفتند، او حاکم نیست. اگر دوتفر که هر دو دارای این مَلَک‌ها هستند، یکی از نظر مردم شناخته و پذیرفته شد، او حاکم است. پس قبول مردم و پذیرش مردم شرط در حاکمیت است» با این حساب می‌توان نتیجه گرفت، دعوت و تأکیدات مکرر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای از دانشجویان و جوانان که به قول اندیشمندانی چون «هانتینگتون» پیشرو و موتور محرکه اقشار مردم هستند، به حضور در میدان و مطالبه‌گری از مسئولان و اقاماتش به اختیار از همین‌رو است. به عبارت دیگر ایشان باور دارند. آرمان‌های انقلاب اسلامی بدون حضور مشتاقانه مردم دست‌یافتنی نیست و راه همراه کردن مردم نیز تنها در مردمی‌بودن است که مشی ایشان چنانکه گذشت، مصداق بارز و روشنی از آن است.



«ام‌القری» در لغت به معنای «مادر آبادی‌ها» است و به مرکزیت یک سرزمین در مقایسه با دیگر شهرها و کشورها اشاره دارد. چنانکه در قرآن، آیه ۹۲ سوره انعام و آیه ۳۲ سوره شوری شهر مقدس «مکه» به دلیل امتیازات متعدد «ام‌القری» نامیده شده است.

در حوزه اندیشه سیاسی نیز جهان اسلام یک امت واحد است و کشوری که بتواند با تشکیل حکومت اسلامی سطح رهبری خود را از مرزهای سرزمینی‌اش فراتر برده و به مثابه محور و رهبر دیگر کشورهای اسلامی و امت اسلام مطرح باشد، در موقعیت ام‌القری جهان اسلام قرار می‌گیرد. در این حوزه حضرت امام خمینی(ره) حفظ ایران به منزله ام‌القری جهان اسلام را برای حفظ مکتب اسلام ضروری می‌دانستند.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران یکی از نظریه‌های مطرح در صدر انقلاب، موضوع ام‌القری بودن ایران اسلامی به منزله محور سازماندهی امت اسلامی بود که واکنش‌های زیادی را در جهان اسلام برانگیخت. هرچند پیش از امام خمینی(ره) متفکران شیعی و سنی به این موضوع توجه کرده بودند؛ ولی پیروزی انقلاب اسلامی این نظریه را درباره ایران تحقق‌یافته اعلام کرد.

از منظر امام خمینی(ره) امت اسلام، امت واحد به شمار می‌آیند که همه مسلمانان در همه عرصه‌های زندگی، از جمله اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی آن مسئولیت دارند. برای نمونه در زمینه امنیت، امام خمینی(ره) به خطر افتادن امنیت هر بخش از خاک یا مردم مسلمان یا امنیت ملی کشورهای اسلامی از سوی اجانب و غیرمسلمانان را به منزله خدشه‌دار شدن امنیت جهان اسلام می‌دانند. در این راستا، حفظ امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به منزله ام‌القری جهان اسلام و الگوی حکومت و حاکمیت اسلامی در دنیا کنونی از نگاه ایشان اهمیت ویژه و فوق‌العاده‌ای دارد و دفاع و حفظ این حکومت بر همه مسلمانان جهان واجب است.

همین نگاه در همه عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در اندیشه امام خمینی(ره) حاکم

احد کریم‌خانی

کارشناس روابط بین‌الملل



«فلسطین» زخم کهنه‌ای است که پس از پایان جنگ جهانی دوم و بر اثر سیاست‌های استعماری انگلیس و آمریکادر پیکره جهان اسلام ایجاد شد. این زخم دیرینه که همچنان ملت‌های مسلمان و آزادی‌خواهان جهان را رنج می‌دهد، جز با نابودی غده سرطانی رژیم صهیونیستی و احقاق حقوق واقعی فلسطینیان و آزادسازی قدس شریف از بند اشغال صهیونیست‌های غاصب‌الیتام‌نمی‌یابد.

غفلت برخی ملت‌های عربی و اسلامی از یک‌سو و تجاوزگری و زیاده‌خواهی نظام سلطه و استکبار از سوی دیگر در کنار خیانت برخی حکام عربی، سه عامل مهمی است که فلسطین را کماکان در بند اشغال نگه داشته است؛ و الاّ ملت مبارز فلسطین و گروه‌های مقاومت اسلامی در منطقه در طول همه این سال‌ها، برای آزادی قدس شریف از هیچ تلاشی دریغ نکرده‌اند.

امروز در حالی که بیش از ۷۰ سال از اشغال فلسطین و تأسیس رژیم نامشروع و غاصب صهیونیستی می‌گذرد، قضیه فلسطین و ملتی که از خانه و کاشانه خود آواره شده، بزرگ‌ترین مصیبت جهان اسلام و بشریت است. جمهوری اسلامی ایران دقیقاً از زمانی که نهضت اسلامی مردم ایران برای سرنگونی رژیم طاغوت به رهبری امام

بود. پس از رحلت امام خمینی(ره) و رهبری امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) این نظریه به مثابه محور تلاش‌های نظام انقلابی ایران قرار گرفت. در حقیقت، پس از رحلت امام(ره) دو نظریه در کشور وجود داشت؛ نخست نظریه‌ای که به ختم انقلاب و عادی کردن شرایط در داخل و خارج کشور معتقد بود و دوم نظریه‌ای که به استمرار انقلاب و تلاش برای تحقق تمدن نوین اسلامی در جهان اعتقاد داشت.

امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) در سخنرانی‌های گوناگون خود همیشه «گفتمان انقلابی‌گری» را اصلی‌ترین راهبرد مقابله با آفات و چالش‌های نظام اسلامی در داخل و خارج مطرح کرده و بر اهمیت شناسایی دقیق شاخصه‌های انقلابی‌گری و ترویج آن به شکل گفتمان فراگیر و جریان پیروز تأکید دارند. ایشان در بیست‌وهفتمین سالگرد امام خمینی(ره) فرمودند: «انقلاب مال همه است،

انقلاب یک شط جاری است و همه می‌توانند انقلابی باشند.» معظم‌له در پاسداری از جریان انقلابی در جهان اسلام شاخصه‌هایی را برای انقلابی‌گری و انقلابی بودن و انقلابی ماندن در مراسم‌های گوناگون مطرح کرده‌اند که از جمله این شاخصه‌ها پابندی به مبانی انقلاب از منظر امام خمینی(ره) است و می‌توان گفت، نظریه ام‌القری بودن ایران اسلامی، از جمله این مبانی است. همچنین صدور بیانیه گام دوم انقلاب در آغاز دومین مرحله (خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی) از طرف امام خامنه‌ای می‌تواند فصل جدید انقلاب اسلامی را برای همگان تبیین کند. ایشان در این بیانیه برای انقلاب، شعارهای جهانی سرشته با فطرت را مطرح کرده و انقلاب اسلامی را پدیده‌ای زنده و با اراده معرفی می‌کنند و معتقد هستند این گام دوم، انقلاب را به آرمان بزرگش- که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلیع خورشید ولایت‌عظمی(ارواحنا‌فاده) است- نزدیک خواهد کرد.

بدیهی است، جمهوری اسلامی ایران در این مسیر به عنوان محور حرکت جهان اسلام برای زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی(ارواحنا‌فاده) است و این همان ام‌القری بودن ایران اسلامی در جهان اسلام است.

پیشران تشکیل تمدن اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا تویسرکانی مسئول نمایندگی ولی فقیه در بسیج مستضعفین
گفتمان‌سازی امام خامنه‌ای پیرامون محوریت جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام را تبیین می‌کند

نکته مهم این است که ام‌القری بودن و ماندن جمهوری اسلامی به حرکت در مسیری مشروط است که امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم مطرح کرده‌اند. معظم‌له در پایان بیانیه گام دوم هفت توصیه برای انقلابیون بیان کرده و می‌گویند همگان، به ویژه نسل جوان ایرانی باید در این مسیر باصلابت، باامید و باانگیزه ایمانی تلاش کنند تا جایگاه ایران اسلامی به منزله محور تمدن‌ساز حفظ شود. این توصیه‌ها عبارتند از: ۱- علم و پژوهش؛ آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور، ۲- معنویت و اخلاق؛ تبار اصلی جامعه و جهت‌دهنده همه فعالیت‌ها، ۳- اقتصاد قوی؛ عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری، ۴- عدالت و مبارزه با فساد؛ در صدر همه هدف‌های بعثت‌های الهی، ۵- استقلال و آزادی؛ عطیه‌های الهی، ۶- عزت ملی روابط خارجی و مرزبندی با دشمن بر اساس عزت؛ حکمت و مصلحت،

۷- جهاد همه‌جانبه برای مبارزه با سبک زندگی غربی و تحقق سبک زندگی اسلامی.

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بر اساس اندیشه امام خمینی(ره)، جهان اسلام به مثابه امت واحد در جهان مطرح شد که مسلمانان در همه عرصه‌های فرهنگی، امنیتی، سیاسی و اجتماعی

نسبت به همدیگر مسئولیت دارند. در این نگاه، مسلمانان امت واحد مطرح می‌شوند که باید مرکزیت ساماندهی و رهبری و جهت‌دهی داشته باشند. در نگاه امام خمینی(ره) و امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) ام‌القری جهان اسلام، ایران اسلامی است و برای حفظ و حراست از این جایگاه باید به توصیه‌های امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم در سه مرحله «گفتمان‌سازی و جریان‌سازی»، «تلاش برای پیاده‌سازی» و «مطالبه‌گری از مسئولان» توجه جدی کرد که جایگاه ام‌القری بودن نظام جمهوری اسلامی روز به روز از اقتدار بیشتری برخوردار شود و اگر از این توصیه‌ها غفلت شود، قطعاً به جایگاه ام‌القری بودن این نظام مقدس خدشه وارد می‌شود.



الیتام زخم کهنه جهان اسلام

نگاهی به میدان‌داری و پیشرانی امام خامنه‌ای در تحقق آرمان فلسطین

فلسطین و فلسطینی‌ها کمک کرده و خواهیم کرد و این کار را وظیفه همه دنیای اسلام می‌دانیم.» رهبر فرزانه انقلاب در زمینه مقابله با طرح‌های ضد فلسطینی و نیز راهبردهای آزادسازی قدس اشغالی نیز همیشه حضوری فعال و روشنگرانه داشته‌اند، به گونه‌ای که در کنار حمایت‌های همه‌جانبه و بدون ملاحظه از فلسطین و دعوت ملت فلسطین به استمرار مبارزات سیاسی، نظامی، اخلاقی و فرهنگی، مراجعه به آرای عمومی ملت فلسطین را یک راه‌حل واقعی دانسته و تأکید دارند: «کسانی که غاصب فلسطین هستند، تسلیم رأی ملت فلسطین بشوند. از همه مردم فلسطین اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی فلسطینی و آن کسانی که در خارج فلسطین تبعید شده از فلسطین هستند، نظر خواهی بشود، و اینها معین کنند که چه نظامی در فلسطین حاکم باشد و همه تسلیم آن باشند؛ مبارزه تا این زمان باید ادامه پیدا کند و ادامه پیدا خواهد کرد و به لطف الهی و به توفیق الهی و به حول و قوه الهی ملت فلسطین در این مبارزه مسالمت‌آمیز انسانی مورد قبول همه عرف‌های عاقل عالم مسلط خواهد شد و کشور فلسطین به مردم فلسطین برخواهد گشت.»

در زمینه جدیدترین طرح ضد فلسطینی، یعنی پروژه «معامله قرن» نیز رهبر معظم انقلاب با نگاهی دوراندیشانه و حکیمانه، طرح مذکور را شکست‌خورده قلمداد کرده و معتقدند: «به‌کوری چشم دولتمردان آمریکاسیاست شیطانی و خبیث

آمریکا در مورد فلسطین با نام معامله قرن به توفیق الهی هرگز تحقق نخواهد یافت.» معظم‌له همچنین با اشاره بر این اصل که «معامله قرن قبل از ترامپ خواهد مرد»، تأکید دارند: «آمریکایی‌ها دل‌شان را خوش کرده‌اند که با گذاشتن اسم بزرگ، طرح‌شان علیه ملت فلسطین موفق شود؛ در حالی که این کار آنها احمقانه و خبیثانه است و از همین شروع قضیه به ضررشان تمام شده است. این کار قطعاً به نتیجه نخواهد رسید.»

افزون بر اینها، رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی توطئه اخیر را به ضرر آمریکایی‌ها و موجب زنده‌شدن مسئله فلسطین دانستند و معتقدند: «استقبال و کف زدن چند تن از سران خان عرب که در میان ملت‌های خود نیز بی‌ارزش و بی‌آبرو هستند، اهمیتی ندارد و برخلاف سیاست ثابت دستگاه استکبار یعنی به فراموشی سپردن مسئله فلسطین، این کار آنها موجب زنده شدن مسئله فلسطین شد و در همه دنیا نام و مظلومیت فلسطین و مجموعه‌های فلسطینی بر سر زبان‌ها افتاد.»

در پایان لازم است از بزرگ‌ترین فرمانده خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی و نظام سلطه و استکبار، یعنی سپهبد شهید سلیمانی یاد شود؛ فرمانده شجاع و اسطوره‌ای و استراتژیست نامداری که حقیقتاً «شهید راه فلسطین و قدس» برزنده اوست؛ او که نقش بزرگ و مهمی در تقویت مقاومت فلسطین داشته است. روح پاکش با انبیا و اولیای الهی محشور باد.

سردار سپهر جانشین رئیس سازمان بسیج مستضعفین
جایگاه مدیریت جهادی در معارف اسلامی و منظومه فکری امام خامنه‌ای را بررسی می‌کند

حرکت پرشتاب در مسیر الهی

با مراجعه به منظومه فکری، رهنمودها و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، زمانی کشور به سمت اهداف و آرمان‌های خود، که از مهم‌ترین آنها ایجاد دولت و جامعه و تمدن اسلامی است، پرشتاب حرکت می‌کند و موفق خواهد شد که ایمان، جهاد علمی، جهاد عدالت‌خواهی و جهاد مدیریتی و اقتصادی در میان مدیران و کارگزاران نظام به عنوان یک ارزش شناخته شود؛ از این‌رو برای فرایند اهداف انقلاب اسلامی نیازمند در اوج قرار گرفتن و به دست آوردن اقتدار ملی هستیم تا بتوانیم الگوی اسلامی و انقلابی پیشرفت برای جهان اسلام شویم و این مهم زمانی تحقق می‌یابد که بتوانیم با سبک مدیریت جهادی، کارآمدی دین در جامعه را اثبات نماییم.

لذا اولین اصل در این مسیر از منظر قرآن کریم، خلوص نیت است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»؛ (عنکبوت/۶۹) یعنی عنصر اصلی در مدیریت جهادی، مانند همه عبادت‌ها، نیت و قصد الهی است.

اصل دوم در مدیریت جهادی ایثار با مال، جان و تمام هستی است؛ این ویژگی از منظر معارف و حیانی تجارت پرسود و سراسر فتح، پیروزی و موفقیت با خداوند است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ».(صف/۱۱۰)

اصل سوم استقامت، سخت‌کوشی و تلاش بی‌وقفه و مجاهدانه در راه خدا با تمام توان و ظرفیت‌های موجود است؛ همان‌گونه که خداوند به رسول گرامی اسلام و پیروانش دستور استقامت در سختی‌ها و محنت‌ها می‌دهد (فاستقم کما امرت و من تاب معك)، مدیر جهادی نیز راه و رمز موفقیت خود را سخت‌کوشی و استقامت در راه خدا می‌بیند و برای پیدا نمودن ظرفیت امدادهای الهی و غیبی بر اساس رهنمودهای قرآنی، استقامت می‌ورزد: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ».(فصلت/۳۰)

اصل چهارم در مدیریت جهادی توکل بر خداوند است؛ ضامن همه امور در سختی‌ها و مشکلات و بهترین پشتیبان خداوند متعال است؛ «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا».(طلاق/۳)

اصل پنجم در مدیریت جهادی صبر و شکیبایی در برابر دشمنان و موانع است؛ «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ».(انفال/۶۵) یعنی اگر صبوری کنی، خداوند توان و طاق تو را ده برابر می‌کند.

اصل ششم نترسیدن از دشمن است؛ خداوند

یکی از ویژگی‌های قوم برتر و مجاهدین راه حق را نترسیدن از دشمنان و سرزنش‌های مخالفان برمی‌شمرد؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».(مانده/۵۴)

اصل هفتم جوهره رهبری در مدیریت جهادی است؛ مدیریتی که سازوکار نفوذ به قلوب کارکنان و زیردستان را فراهم می‌کند تا با جلب مشارکت، حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه آنان بتواند موانع را برچیند، بن‌بست‌ها را بشکند و با پیشگامی، رسیدن به قله‌های آرمانی سازمان مربوطه را ممکن کند و با فرهنگی برخواسته از سبک مدیریت انبیای الهی بتواند مربی، مرجع، پرنفوذ، پدر، پرتلاش و خستگی‌ناپذیر گام‌های رشد و تعالی و رسیدن به اهداف سازمان را با زیردستان خود محقق کند.

چرایی مدیریت جهادی

۱- بر اساس آموزه‌ها و هشدارهای قرآنی، دشمنان اسلام هیچ‌گاه دست از سر مسلمانان برنخواهند داشت و راهبرد اصلی آنان فروپاشی و از کار انداختن نظام اسلامی است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُوكُمْ حَتَّىٰ يَبْزُوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ»؛ (بقره/۲۱۷) مشرکان همواره با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شمارا از دین‌تان برگردانند.

۲- فراهم کردن سازوکار پیش‌برندگی انقلاب و تعمیق باورهای اسلامی و انقلابی، با حرکت پرشتاب و جهادی برای ساختن دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی.

۳- تداوم رفتارهای خصمانه و غرض‌الودق‌دلت‌های استکباری با نظام اسلامی و ایجاد موانع متعدد و مشکلات مختلف، به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی.

۴- ضرورت مبارزه با فساد در ارکان اداری و مدیریتی و عدم رعایت شئون و شعائر اسلامی و انقلابی.

۵- ضرورت حرکت به سمت اقتدار ملی برای حفظ و تداوم نظام اسلامی.

۶- ناامید کردن دشمنان انقلاب اسلامی و بی‌اثر نمودن تهدیدهای سخت، نیمه‌سخت و نرم قدرت‌های استکباری.

۷- ضرورت حرکت پرشتاب و پرتلاش مسئولان نظام و مدیران کشور به سمت جهاد علمی، جهاد

عدالت‌خواهی، جهاد اقتصادی و جهاد فرهنگی برای در اوج قرار گرفتن نظام اسلامی و به دست آوردن اقتدار ملی و الگو شدن برای جهان اسلام.

۸- اثبات کارآمدی دین در اداره جامعه و ضرورت استفاده از همه فرصت‌ها برای ارتقای مشروعیت

و مقبولیت حاکمیت دینی و مقابله با استکبار و دشمنان و فراهم کردن زمینه‌های پیشرفت و تحقق اهداف سازمان‌ها و نهادهای حاکمیتی.

چگونگی

۱- مدیریت جهادی بر مبنای خلوص نیت، توکل به خداوند، صبر، پایداری و استقامت در سختی‌ها و محنت‌ها، بن‌بست‌ها را می‌شکند، از موانع عبور می‌کند و برای تحقق اهداف سازمان هزاران راه نرفته را کشف می‌نماید و شعار «ما می‌توانیم» را تحقق می‌بخشد.

۲- مدیریت جهادی در فعالیت‌های سازماندهی، هدایت، نظارت و کنترل، به اصل مبارزه با دشمن و مقابله با موانع توجه می‌کند، به شکلی که این فعالیت‌ها نتایجی، چون شکست، عقب‌نشینی و ناامیدی دشمن، تحمیل اراده به دشمن یا عبور از موانع را در پی داشته باشد.

۳- بسیج و به‌کارگیری مؤثر منابع مادی، انسانی و معنوی با تلاش پرنیرو در راه خدا، مبتنی بر علم و برنامه‌ریزی و متکی به داشته‌ها در مقابل دشمنان و موانع برای تحقق اهداف سازمان.

۴- مدیریت جهادی از همه فرصت‌ها و ظرفیت‌های درونی و در اختیار استفاده می‌کند و منتظر امکانات ایده‌آل نیست و هیچ‌گاه دست نیاز به سمت دشمنان دراز نمی‌کند.

۵- در مدیریت جهادی نترسیدن از تهدید و تحریم دشمنان موجب افزایش ایمان و انگیزه الهی مدیران و کارکنان می‌شود و آنان در انجام مأموریت‌ها و اجرای برنامه‌ها، خود را همراه با حمایت و پشتیبانی خداوند می‌دانند و یقین دارند وعده‌های الهی تحقق خواهد یافت.

۶- در مدیریت جهادی، شخص مدیر در خط مقدم کار، تولید، اجرا و عمل قرار دارد، خطرپذیر و طیب‌دوار است، به دیگران انگیزه می‌دهد، همواره به وضع موجود راضی نیست، به امور مادی خود اعتنا نمی‌کند، با زیردستان خود مشورت می‌کند، استبداد رأی ندارد، به دنبال کسب شهرت برای خود نیست و بیشتر با هنجارها، سنت‌ها و باورها سازمان تحت امر را نظارت و کنترل می‌کند.

۷- در مدیریت جهادی، تقویت اقتصاد مقاومتی و درون‌زا، تولید و تقویت فرهنگ دینی و ملی و همچنین تقویت فرهنگ انقلابی و جهادی در تمام اسناد بالادست و فرودست سازمان قرار دارد و برای تحقق آن سازوکارهای لازم پیش‌بینی خواهد شد.

۸- در مدیریت جهادی، رمز موفقیت و تحقق اهداف سازمان تلاش پرنیرو، سخت‌کوشی، بن‌بست‌شکنی همراه با علم و دانایی، خلاقیت و نوآوری با بهره‌جستن از خرد جمعی و مشارکت دادن مخاطبان و زیردستان است.

۹- در مدیریت جهادی تعظیم شعائر اسلامی و انقلابی، ایستادگی بر مواضع انقلاب اسلامی، آرمان‌خواهی و واقع‌نگری، ترجیح اهم بر مهم، قانون‌مداری، انصاف، عدالت و فسادستیزی در بطن و متن تمام سیاست‌ها، طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌ها حاکمیت دارد و از مطالبات دائمی سازمان خواهد بود.



پدیده نفوذ

اهداف دشمن از پروژه نفوذ در هشدارهای امام خامنه‌ای

دلیل تأکید رهبر معظم انقلاب بر مسئله نفوذ بعد از جریان برجام و توافق هسته‌ای را می‌توان بااهمیت بودن دستاوردهای ایران در رسیدن به فناوری‌های پیشرفته و علمی بسیار مبنایی برای کشورهای غربی و تقابل با سلطه‌گرایی آنان دانست؛ چراکه ایران با دستیابی به این دستاوردهای علمی، آینده اقتصادی و سیاسی غرب را تهدید کرده است. این تقابل به‌دلیل ورود ایران به حوزه انحصاری غرب است که با استفاده از آن می‌توانست سلطه خود را بر کشورهای جهان حفظ کند؛ به همین دلیل، تدبیر سیاسی و اقتصادی با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران مبارزه و مقابله کرد و با «نفوذ» در افکار عمومی حتی سطح خبیگانی، این باور را ترویج نمود که دستیابی به این فناوری نه‌تنها برای ایران مفید‌فایده نبوده است، بلکه مضر و مانی برای توسعه اقتصادی و سیاسی کشور شمرده می‌شود.

در مجموع، با توجه به بیانات رهبری، اهداف نفوذ دشمن را می‌توان در مراتب ذیل تقسیم‌بندی و خلاصه نمود:

۱- نفوذ قدرت‌های استکباری و صهیونیستی به مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی دنیا، به‌ویژه کشورهای اروپایی برای بسط قدرت‌های اقتصادی و سیاسی خود و تحقق وابستگی هرچه بیشتر کشورها به آنان؛

۲- نفوذ استکبار جهانی و نظام سلطه برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی در عرصه‌های گوناگون فکری، فرهنگی و سیاسی و تغییر و تضعیف باورهای بنیادین نسل‌های مختلف جامعه در جهت تضعیف پایبندی آنان به نظام مقدس جمهوری اسلامی؛

۳- نفوذ استکبار جهانی برای ضربه زدن به وحدت مسلمانان و اقتدار و عظمت اسلام، به دنبال بسط شعار اصلی انقلاب اسلامی، یعنی مبارزه با نظام سلطه و ترویج عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی؛ بنابراین با توجه به تحولات مختلفی که در منطقه خاورمیانه و نیز در عرصه بین‌الملل در حال وقوع است، به‌خوبی می‌توان دریافت که دشمن برای تحقق این اهداف خود، راهبرد نفوذ را در دستور کار خود قرار داده است و این هوشیاری و اقدام متقابل را می‌طلبد.

یادداشت

تدبیر آتش به اختیاری



علیرضا جلالیان
روزنامه‌نگار

در تجربه چهل‌ساله انقلاب اسلامی همواره جوانانی بودند که متناسب با نیاز انقلاب اسلامی وارد میدان‌های جدید شده‌اند و به صورت خودجوش اقدام به رفع نیاز انقلاب کرده‌اند. تعبیر رهبر معظم انقلاب از این نوع حرکت خودجوش «آتش به اختیار» بوده است؛ تعبیری که برگرفته از فرامین نظامی در تمرینات تیراندازی در میدان تیر یا در صحنه نبرد است؛ با این مفهوم که فرد به مرحله‌ای رسیده است که باید به تشخیص خود در یک مسئله عمل کند. تجربه جهادگران سزاندگی در ابتدای انقلاب، حضور نیروهای مردمی در دفاع از کشور در ماجرای مقابله با جدایی طلبان در مناطق مختلف به‌ویژه غرب کشور و... مصادیقی از این حرکت‌های آتش به اختیاری بودند که برخی به عنوان یک فرهنگ به روند معمول تبدیل شده‌اند و برخی هم در زمان خود حرکت مناسبی بوده‌اند. «آتش به اختیار» واژه‌گزینی خوبی بوده است که رهبر معظم انقلاب برای بیان این مفهوم در دل انقلاب اسلامی بیان کرده‌اند.

البته ایشان برای این مفهوم چارچوب نیز قائل شده‌اند؛ عمده نگاه ایشان است حوزه آتش به اختیار مربوط به زمانی است که دستگاه‌های متولی فرهنگی در خواب هستند یا غافل از موضوعات مهم‌تر، به مباحث پیش‌یا‌فکاده مشغول هستند و اینجاست که جوان مؤمن انقلابی بر حسب مسئولیت و وظیفه خود به میدان می‌آید و آتش به اختیار کار تمیز فرهنگی انجام می‌دهد. آتش به اختیار درواقع نوعی واگذاری امور فرهنگی به مردم است؛ البته آفات و برکات آن هم قابل بررسی است؛ اما انقلاب اسلامی اثبات کرده هرجا کار به خود مردم که شامل عناصر مؤمن و انقلابی هستند، واگذار شده، عملکردها بهتر بوده است.

رهبر معظم انقلاب در این‌باره می‌فرمایند: «آتش به اختیار به معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است؛ آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوان‌ها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همت، خودشان با ابتکار خودشان کار را کارهای فرهنگی را پیش ببرند، منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها کار انجام بدهند؛ آتش به اختیار، به معنای بی‌قانونی و فحاشی و طلب‌کار کردن مدعیان پوچ‌اندیش و مدیون کردن جریان انقلابی کشور نیست.»

باید دانست فرمان آتش به اختیار متوجه عرصه فرهنگ و موقت است و نمی‌توان هر فعالیتی را به این موضوع مرتبط دانست؛ درواقع رهبر معظم انقلاب با گله از دستگاه‌های مربوطه در حوزه فرهنگ، فرمان آتش به اختیار داده‌اند تا در شرایط قطع ارتباط و فعالیت مرکز فرماندهی فرهنگ در کشور، خود مردم خوش‌فکر و جوانان وارد عرصه شوند؛ درواقع دستگاه‌های فرهنگی در کشور هنوز توانسته‌اند چارچوب فرهنگ ایرانی و اسلامی را دقیق مشخص کنند و نوعی ره‌اشدگی در این مسئله احساس می‌شود که حضور مردم در این صحنه و اجرای ابتکارات و هم‌فکری در عرصه چنین فعالیتی می‌تواند مبنایی برای همین چارچوب یافتن عرصه فرهنگ باشد و این خود تدبیری مؤثر از طرف رهبر معظم انقلاب است.

یادداشت

گفتمانی که نباید فراموشی شود

«یکی از چیزهایی که از اول در انقلاب مطرح بوده است، مسئله عدالت است. عدالت یعنی کم کردن فاصله بین فقیر و غنی در کشور و مبارزه با فقر در کشور و تقسیم درست ثروت در کشور. این غیر از تفکرات مارکسیستی است؛ این غیر از تساوی و برابری‌ای است که سوسیالیست‌ها یا کمونیست‌ها بیان می‌کنند؛ این نظر اسلام است؛ منابع اسلامی و مدارک اسلامی همه تأیید و تأکید می‌کند بر این معنا. نه اینکه ما دست بگذاریم روی ثروت ثروتمندان و بخواهیم این ثروت را از اینها بگیریم، نه، بلکه بایستی کشور را جوری اداره بکنیم که فاصله بین فقیر و غنی کم بشود. خب، این مسئله بسیار مهمی است و امروز در دنیا هم مطرح است. این «ضریب جینی» که در دنیا مطرح است و امروز جزو معیارها و شاخص‌های اقتصادی است، همین است؛ در واقع، به یک معنا فاصله بین فقیر و غنی است. ما باید نگاه کنیم ببینیم در این زمینه از نظر اسلام چقدر پیش رفته‌ایم، چقدر حرکت کرده‌ایم، چرا این‌جور شده؛ محاسبه کنیم اینهارا.» (۱۳۹۶/۶/۳۰، دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری)

«آحاد مردم، مردم بخش‌های مختلف کشور و قشرهای گوناگون جامعه، در یک هماهنگی مطلوب و بـایک بر خورد هوشمندانه متناسب با یک ملت بزرگ، مسائل کشورشان را دنبال می‌کنند. مردم شعارها و آرمان‌های ملی را بـا درک کامل بر زبان جاری می‌کنند؛ مثل همین شعارهایی که شما امروز دادید و در همه جا راجع به پیشرفت‌های علمی، انرژی هسته‌ای و موقعیت‌های سیاسی کشور در سطح بین‌المللی شعار می‌دهند و امروز بیش از گذشته هم حتی گفتمان عدالت‌طلبی و رفع تبعیض و مبارزه با فساد در کشور مستقر و حاکم است.» (۱۳۸۵/۸/۲۱)، بیانات در دیدار مردم گرمسار)

«شاید بعضی‌ها حتی بعضی مخلصین انقلاب، نه بیگانه‌ها و بددل‌ها، حتی نزدیکان- در طول بعضی از سال‌های گذشته تصورشان این بود که شعارهای اصلی انقلاب، سربلندی اسلام، مسئله عدالت، مسئله مبارزه با استکبار، تلاش و مجاهدت برای رفع استضعاف از مستضعفان، دیگر روزگارش تمام شده است؛ بعضی البته جسارت و گستاخی کردند و همین‌ها را نوشتند و گفتند؛ اشتباه می‌کردند، معلوم بود؛ می‌دانستیم اشتباه می‌کنند؛ اما این گستاخی، دل‌ها را خراش می‌داد. امروز به همت ملت ایران، با انتخاب ملت ایران، دولتی سر کار آمده است که شعارهای اصلی انقلاب، شعارهای اساسی و اصولی اوست. گفتمان مفاهیم انقلاب اسلامی، امروز گفتمان رایج و غالب است؛ این خیلی اهمیت دارد؛ من البته این را پیش‌بینی می‌کردم؛ من شاید حدود هفت سال، هشت سال قبل از این، در جلسه کارگزاران نظام اسلامی که در همین حسینیه تشکیل شد، دلایلی آوردم بر اینکه دشمنان انقلاب که خیال می‌کنند می‌توانند انقلاب را به فراموشی بسپرنند و قربانی کنند و از رویش عبور کنند، اشتباه می‌کنند؛ گفتم نمی‌توانید؛ می‌دانستیم اشتباه می‌کنند. بحمدالله ملت ایران همت کردند و آنچه که می‌خواستیم، شد. این هم یک فرصت است. پس مسئولیت کنونی شما در یک چنین موقعیتی است که شعارهای انقلاب، اصول اساسی برنامه‌ریزی در این دولت اعلام می‌شود؛ این هم خیلی مهم است؛ پس مسئولیت‌ها را مغتنم بشمرید.» (۱۳۸۶/۴/۹)، دیدار اعضای هیئت دولت و مدیران اجرایی کشور)

اقتصاد درون‌زا

واکاوی گفتمان اقتصادی امام خامنه‌ای و پیش شرط‌های تحقق آن

علی قاسمی

تحلیلگر ارشد اقتصاد سیاسی



در فرایند چند ساله که رهبر معظم انقلاب مطالبات اقتصادی خویش را از دولت‌ها، مردم و متولیان امر به کرات بیان فرموده‌اند، برخی از آنها ظرفیت گفتمان شدن را پیدا کرده‌اند که با تأمل و تدبیر همراه با تحلیل محتوای می‌توان به چند گفتمان اصلی در حوزه اقتصاد و یا مرتبط با آن رسید. گفتمان کار و تلاش، گفتمان اقتصاد مقاومتی، گفتمان پیشرفت ایرانی-اسلامی و گفتمان‌هایی همچون تولید علم، به ویژه دانش بنیان و گفتمان عدالت، نسبت به دیگر گفتمان‌ها با اقتصاد ارتباط بیشتری دارند. رهبر معظم انقلاب اسلامی، گفتمان را «شعار پُر محتوا و حاکی از حقیقت قابل گسترش فکری که جهت‌دهنده و برانگیزاننده است»، می‌داند و معتقدند فضای گفتمان باید فضای معتقد به یک مبانی فکری با عملی باشد. گفتمان‌سازی از آن رو اهمیت دارد که اگر می‌خواهیم خواسته‌ای تحقق پیدا کند، قدم اول این است که این خواسته را به صورت یک گفتمان پذیرفته شده در بیاوریم. در واقع، اگر تفکری به صورت گفتمان در آمد، اجرای آن دیگر کار دشواری نیست. موضوعات مطرح شده از سوی معظم‌له که به صورت گفتمانی در آمده، جزء دغدغه‌های اساسی نظام بوده و هست و به نوعی تحقق و عملیاتی شدن آنها بار بزرگی را از دوش اقتصاد بر می‌دارد و اقتصاد کشور را به رشد و بالندگی سوق می‌دهد. حال که شعار امسال «جهش تولید» است، لزوم تبدیل شدن نام و شعار سال به گفتمان رایج به تبیین منطقی، عالمانه و به دور از زیاده‌روی‌های گوناگون و بدون نگاه‌های سیاسی نیاز جدی دارد و برای تبیین آن از همه ظرفیت‌ها و ابزارهای متعدد گفتمان‌ساز، مانند دانشگاه‌ها، تربیون‌های نماز جمعه، اندیشمندان، صداوسیما، استادان حوزه و دانشگاه و ظرفیت‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای و... باید نهایت بهره را برد. در شکل‌گیری و قالب‌سازی گفتمان جهش تولید تکیه بر نقش مردم در انجام فعالیت‌های اقتصادی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا موجب می‌شود از همه استعدادها و ظرفیت‌های داخلی به منظور تولید ثروت و دستیابی به قدرت و امنیت اقتصادی کشور استفاده شود. فرهنگ‌سازی همراه با حمایت از تولیدات داخلی و خرید کالای ایرانی می‌تواند نقش مؤثری در گفتمان جهش تولید داشته باشد و نباید از شعارهای سال‌های قبل که به صورت زنجیره‌ای با شعار امسال مرتبط هستند، غافل شد؛ چرا که «جهش تولید» به منزله پایه و اساس پیشرفت و توسعه اقتصاد کشور برای مقابله با تهدید و تحریم دشمنان به‌ویژه در شرایط کرونا، همواره به الزاماتی نیاز دارد که در

صورت فراهم نبودن آنها اگر گفتمان شکل بگیرد؛ دردی را از اقتصاد دوا نخواهد کرد. ابتدا باید به تولید در کشور نگاه خاص و ویژه‌ای داشته باشیم؛ همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب در بحث اهمیت تولید به عنوان عاملی تأثیرگذار و متحول‌کننده سایر بخش‌ها به آن اعتقاد دارند و می‌فرمایند: «... اگر تولید شد، آن وقت در بخش‌های مختلفی تحول ایجاد خواهد شد؛ اگر رونق تولید وجود داشته باشد، هم تأثیر می‌گذارد در اشتغال، هم تأثیر می‌گذارد در کسب کردن تورم، هم حتی تأثیر می‌گذارد در وضع توازن بودجه، هم تأثیر می‌گذارد در بالا رفتن ارزش پول ملی... ببینید این باید انجام بگیرد و در برنامه قرار بگیرد؛ هم در برنامه دولت، هم در برنامه مجلس، هم در برنامه آحاد مردمی که توانایی ورود در وادی تولید را دارند.»

از این رو، برای آنکه نظام اسلامی بتواند با نقشه‌های دشمن هوشمندانه برخورد کند و از وضعیت شکننده کرونا بیرون بیایند و دچار رکود تورمی نشود، باید گره‌های اصلی مشکلات اقتصادی کشور را شناسایی کرده و آنها را برطرف کند؛ به اذعان بسیاری از کارشناسان، گره‌های اصلی اقتصادی کشور «رکود تولید»، «بیکاری» و «نقدینگی» است و راهکار باز کردن این گره‌ها در تقویت و حمایت همه‌جانبه از تولید ملی نهفته است. اگر نگاه رویکرد تغییر پیدا کند؛ یک ظرفیت عظیم خالی در اقتصاد داریم تا جایی که اسام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) حتی از ظرفیت ۱۰ برابری سخن گفته‌اند. معنای سخن ایشان این است که ما می‌توانیم ده برابر بیشتر از ظرفیت موجود در تولید استفاده کنیم. این ظرفیت‌ها شامل ظرفیت نیروی انسانی متخصص، ظرفیت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در حوزه‌های نفت، گاز، پتروشیمی، معدن و صنایع معدنی، صنایع غذایی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، گردشگری و مسکن به ویژه ظرفیت‌های خالی و راکد شرکت‌های صنعتی می‌شود. دغدغه دوم در بحث تولید تغییر رویکردهاست؛ یعنی ضرورت دارد چند مسئله در مردم و مسئولان تغییر پیدا کند. یکی از این رویکردها نگاه به ظرفیت‌های موجود بر اساس بهره‌وری است. وقتی این رویکردها تغییر پیدا کرد؛ به صورت تسلسلی مشکلات یکی پس از دیگری حل خواهد شد. به گفته متولیان، از ۴۳ هزار واحد مستقر در شهرک‌های صنعتی ایران بین ۱۱ تا ۱۲ هزار واحد راکد است، تعدادی از واحدها هم با ظرفیت کمتر از ۵۰ درصد و بقیه هم با ظرفیت ۵۰ تا ۷۰ درصد کار می‌کنند؛ در این بین تنها ۲۵ درصد واحدها با ظرفیت بالای ۷۰ درصد مشغول به فعالیت هستند. اگر چه تعدادی نزدیک دو هزار واحد با حمایت دولت و بانک‌ها در سال گذشته به چرخه تولید بازگشته‌اند؛ اما هنوز ظرفیت خالی زیادی داریم. بر اساس ارزیابی‌ها، به دلیل تأمین نشدن

مواد اولیه و همکاری نکردن بانک‌های داخلی برای تأمین نقدینگی برخی واحدها یا راکد هستند یا با ظرفیت پایین کار می‌کنند. به استناد سخنان مسئولان سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی بیش از ۹۰۰ شهرک و ناحیه صنعتی در کشور مصوب است که حدود ۸۰۰ مورد از آنها فعال است؛ در صورتی که کشورهایی که تولیدات صنعتی چند برابر ما را دارند، نصف ما شهرک صنعتی ندارند. در چنین وضعیتی نباید دولت به فکر ایجاد شرکت و شهرک جدید باشد؛ البته شرکت‌های دانش بنیان استثنا هستند و بانک‌ها نباید برای شرکت‌های مازای تازه تأسیس تسهیلات تخصیص دهند. ناگفته نماند که «جهش تولید» ادامه شعار سال گذشته، یعنی «رونق تولید» است. با این توضیح که هدف از رونق تولید پر شدن ظرفیت‌های خالی بوده و با جهش تولید می‌توان با شستاب بیشتری حرکت کرد. یک تغییر رویکرد دیگر که مورد نیاز است، باور توانستن در جامعه به ویژه برای جوانان است. در گام نخست باید هم تولیدکننده به این باور برسد که کالای تولیدی او قابلیت رقابت با نوع خارجی را پیدا خواهد کرد و هم مصرف‌کننده داخلی باید باور داشته باشد که تولیدات داخل ایران می‌تواند نیازهای او را مرتفع کنند و برند بودن و تولید در خارج همراه با آرم و نشان بسیاری از کالاها لزوماً به معنای کیفیت برتر آنها نیست. در واقع، باید از نظر مبانی تئوری و عملی به «تفکر جهادی ما می‌توانیم» معتقد باشند. رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی خود بر حضور «مجموعه‌های جوان و مبتکر و پای کار و پرامید و پُرنیرو و پُرانگیزه و پُراستعداد» در این میدان تأکید داشتند که نشان می‌دهد حضرت آقا برای تحقق

حسن عابدینی کارشناس مسائل بین‌الملل

جایگاه و نقش امام خامنه‌ای در شکل‌گیری و حرکت محور مقاومت را بررسی می‌کند

معمار نسل نوی مقاومت اسلامی

در این زمینه، مجاهدان در صحنه درگیری و دیگران به نقش رهبری آیت‌الله خامنه‌ای معترف هستند که ایشان نقش کانونی در ایجاد این اتفاق داشته‌اند. یا زمانی که مثل شرارت‌پیشه غربی، عربی و عبری زمینه را برای دخالت در سوریه فراهم کردند و تا مرکز شهر دمشق هم پیش آمدند، تنها شخصیتی که وعده داد با حمایت از مقاومت می‌توان دشمن را زمین‌گیر کرد و شکست داد، رهبر معظم انقلاب اسلامی بود و امروز می‌بینیم به جز یک بخش اندک ۴ الی ۵ درصدی، بقیه سرزمین



شعار جهش تولید بیشتر به نیروهای جهادی و بخش خصوصی معتقد به «تفکر جهادی ما می‌توانیم» امیدوارند. این تغییر رویکرد و نهادینه‌سازی باور توانستن در سطح جامعه امری است که قطعاً اگر محقق شود؛ می‌تواند خیرات و برکات فراوانی را برای بخش‌های تولیدی کشور به همراه داشته باشد. در چند سال اخیر اتفاقات میمون و مبارکی رقم خورده است که کار بیشتری می‌طلبد. افزون بر موارد مذکور، باید رویکرد به کار و تلاش هم تغییر پیدا کند؛ چون جهش تولید اتفاق نمی‌افتد مگر با جهش کار و تلاش فردی و جمعی در سطح جامعه، آنجا که خداوند نیز در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ تَلْبِسَ لِتُخْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى». (نجم/ ۳۰) از این رو از مسئولان و متولیان امر (اعم از دولت، مجلس، رسانه ملی و...) انتظار می‌رود برای بسط و گسترش فرهنگ کار و تلاش، زمینه‌های لازم و مشوق‌های انگیزشی را فراهم کرده و پرکاری و پرتلاشی در سطح جامعه به مثابه یک ارزش در بین آحاد مردم ترویج داده شود و فضا را برای سوداگران و واسطه‌ها و دلالان با قوانین سخت‌گیرانه و نظارت‌های مستمر تنگ کنند و نگذارند برخی با راحت‌طلبی و فزون‌خواهی به ثروت‌های آنچنانی برسند و کسانی که در امر تولید به نوعی جهاد می‌کنند؛ هر روز با مشکلات بی‌شماری همچون قوانین مبهم، دست و پا گیر، گاه متناقض و پرتراکم مواجه باشند. در پایان ذکر این نکته ضرورت دارد که در طول سال‌ها اقتصاد ایران ظرفیت‌سازی خوبی کرده و با نگاهی به ظرفیت‌های اقتصاد ایران امکان محقق شدن جهش تولید در سال ۱۳۹۹ و بعد از مهار و کنترل ویروس کرونا وجود دارد.

سوریه از لوٹ وجود تروریست‌های تکفیری حمایت‌شده از جانب مثلث ارتجاع، پاکستانی شده است. مسنله‌ای که مصداق آن را در پیروزی‌های انصارالله و تأثیرگذاری حشدالشعبی و... نیز می‌توان مشاهده کرد. این‌گونه می‌توان بیان کرد که تشکیل بسیج مردمی و نیروهای مقاومت متکی بر جوانان مخلص و مبارز، سبب شده است توطئه‌های نظام سلطه در کشورهای اسلامی با شکست مواجه شود، حتی در حال حاضر در غزه، بسیاری از گروه‌های اسلامی و مبارز فاش کرده‌اند «سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی» بود که مدیریت حفر تونل‌ها را فراهم یا به افزایش قدرت بازدارندگی نیروهای مقاومت در غزه ضد اشغالگران رژیم صهیونیستی کمک کرد؛ از این‌رو به هر سو که نگاه می‌کنیم، این اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی است که به دست نیروهای فرامرزی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جنبه عملیاتی پیدا کرده و این رمز پویایی و بالندگی مقاومت است که همه این بالندگی از ارشادها و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی است.

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
مدیرمسئول:یدالله جوانی
سرمدیر:علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

علی قاسمی،سیامکباقری،سعداللهزاعی،
فرهادمهدوی،مهدی سعیدی،فتح الله پریان،
محمدرضامهدیار،اسماعیلی،حسین عبداللہی فر
دبیر تحریریه:سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
صفحه آرا:علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گوردزی
ناظر چاپ:سعید قاسمی
چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۲۴۴۶(۰۲۱)
تلفن: ۷۷۴۶۰۱۰۰و ۷۷۴۶۰۱۰۱
ssweekly.ir
@ssweekly
info@ssweekly.ir
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۹۵۲ | دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۹

کتیبه سبز

یاران خراسانی...

سرخوش ز سیوی غم پنهانی خویشم
چون زلف تو سرگرم پریشانی خویشم
در بزم وصال تو نگویم ز کم و بیش
چون آینه خو کرده به حیرانی خویشم
لب باز نکر دم به خروشی و فغانی
من محرم راز دل طوفانی خویشم
یک چند پشیمان شدم از رندی و مستی
عمری است پشیمان ز پشیمانی خویشم
از شوق شکر خند لبش جان نسپردم
شرمنده جانان ز گران جانی خویشم
بشکسته تر از خویش ندیدم به همه عمر
افسرده دل از خویشم و زندانی خویشم
هر چند «امین»، بسته دنیا نیم اما
دل بسته یاران خراسانی خویشم

رهبر فرزانه انقلاب

سیره رهبری

مرام جوانمردی

سردار سلیمانی در مصاحبه ای گفته: «ما یکی از اشرار بزرگ سیستان و بلوچستان را که سال ها به دنبال او بودیم و هم در مسئله قاچاق مواد مخدر خیلی فعالیت می کرد و هم تعداد زیادی از بچه های ما را شهید کرده بود، با روش های پیچیده اطلاعاتی از او برای مذاکره دعوت کردیم به منطقه خاصی و پس از ورود آنها، او را دستگیر کردیم و به زندان انداختیم. خیلی خوشحال بودیم، در جلسه ای که خدمت رهبر معظم انقلاب رسیده بودیم، من این مسئله را مطرح کردم و شرح مواقع را به ایشان گفتم و منتظر عکس العمل مثبت و خوشحالی ایشان بودم.

رهبری بلافاصله فرمودند: «همین الان زنگ بزن آژادش کنند!» من بدون چون و چرا زنگ زدم، اما بلافاصله با تعجب زیاد پرسیدم: «آقا چرا؟ من اصلاً متوجه نمی شوم چرا باید این کار را می کردم؟ چرا دستور دادید آژادش کنیم؟» رهبری فرمودند: «مگر نمی گویی دعوتش کردیم؟» بعد از این جمله خشکم زد. البته بعد ایشان فرمودند: «حتماً دستگیرش کنید.» ما هم در یک عملیات سخت دیگر دستگیرش کردیم. مرام شیعه این است که کسی را که دعوت می کنی و مهمان توست، حتی اگر قاتل پدرت باشد، حق نداری او را آزار بدهی.»

آری این سیره یک رهبر شیعه در به کار بستن جوانمردی و رفتار یک سرباز در اطاعت از ولی خویش است.

صبحانه

خودت را برای چه کسی خرج می کنی؟

در سوره مبارکه یوسف آمده است: «كَذٰلِكَ يَجْتَبِيْكَ رَبُّكَ...»؛ چه وقت می توان مُجْتَبی شد؟ وقتی که بالغ شوی و بعد از گذراندن دوران سخت رشد. روح و جسم انسان هم بالغ شود، اما روح ارزش و اعتباری خاص دارد. همه هستی دست اندرکار بلوغ روح انسان هستند؛ چراکه همه چیز به بلوغ روح منتهی می شود. حال باید از خویش پرسید: ای انسان، خودت را برای چه کسی خرج می کنی؟ از این لحظه های عمر تو چه کسی بهره برداری می کند؟ برای چه کسی برگزیده بودنت را خرج می کنی؟

قاب ماندگار

روایتی از رهبر فرزانه انقلاب

در زمان جنگ، همیشه با لباس نظامی در جبهه ها حاضر می شدم؛ اما تردید داشتم که آیا مصلحت است که لباس پیغمبر(ص) را کنار بگذارم و لباس نظامی را بپوشم؟ یک روز که از جبهه به منظور شرکت در نماز جمعه به تهران آمدم، برای دادن گزارش مستقیماً از فرودگاه به چهاران رفتم. امام(ره) در پشت پنجره ایستاده بودند. من مشغول باز کردن بند پونین ها شدم و این کار مدتی طول کشید. حضرت امام(ره) همچنان ایستاده بودند و با لبخند و بهدقت مرا نگاه می کردند. وارد اتاق شدم، امام(ره) فرمودند: «زمانی پوشیدن لباس سربازی در عرف ما خلاف مروت بود، ولی می بینم برانزده شماس. » با این کلام دلربای امام(ره) ، تردید از دلم بیرون رفت و همیشه از پوشیدن لباس نظامی لذت می بردم.



داستان

مهربان مثل پدر

گوشه قاب عکسش نشسته بود و بی خیال می خندید. حاج خانم میوه ها را چید و بشقاب ها را مرتب کرد.

فریده جون مادر بین همین بشقابا خویه دیکه نه؟ می خوای شربتیم درست کنیم؟ هادی بهار نارنج دوست داشت، همون برای آقا بیاریم؟ شربت هم آماده شد. فریده نگران و مضطرب در اتاق محمدحسین را باز کرد. پسرش هنوز دست از لجبازی برنداشته بود و عمه اش را خسته کرده بود.

زن داداش هر کاری می کنم پا نمی شه لباسشو عوض کنه. لجبازی می کنه! چکارش کنیم؟

فریده روی زمین نشست. نقاشی های درهم و برهم پسرش را نگاه کرد. با آرامش و مهربانی محمدحسین را صدا کرد؛ اما پسر کوچکش از روزی که فهمیده بود پدرش برای همیشه رفته، عصبی و لجباز شده بود، کم خواب بود و هیچ چیز خوشحالش نمی کرد. فریده هر چه تلاش می کرد، بیشتر با مقاومت محمدحسین رویه رو می شد. لباس ها را پرت کرد روی زمین و از اتاق

رفت بیرون. دلش نمی خواست تنها فرزند شهید ظاهر نامرتبی داشته باشد؛ اما تلاشش فایده ای نداشت.

مهمان ها رسیدند. جمع صمیمانه ای دور صندلسی حضرت آقا نشستند. چقدر گرم و صمیمی و عادی بود؛ هیچ تکلفی دیده نمی شد. فریده چشمش به اتاق محمدحسین مانده بود. نه روی آن را داشت که برود و هر طور شده پسرش را بیاورد، نه دلش می آمد در این جمع، یادگار هادی نباشد.

آقا، مشغول احوال پرسسی بودند که محمدحسین با لباس هایی که به شیوه ای کودکانه عوض کرده بود و یک نقاشی در دست، بی توجه به دیگران خودش را به حضرت آقا رساند و روی پایش نشست. نقاشی را با صدای کودکانه اش توضیح داد و بعد در سکوت به مهمان عزیزشان خیره شد. چقدر آقا گرم و کودکانه با او حرف زدند! انگار کودک خودشان را در آغوش گرفته اند! محمدحسین روی عبا ی آقا به خواب رفت؛ درست همان طور که در آغوش پدرش به خواب می رفت.

سردار دل ها

شفاعت پیش از شهادت

رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۸۴ به همراه شهید «حاج قاسم سلیمانی» در منزل خانواده شهیدی در کرمان حضور پیدا کردند. در این دیدار داماد بزرگ خانواده شهید از رهبر معظم انقلاب درخواست می کند که ایشان را در قیامت شفاعت کنند.

رهبر معظم انقلاب می فرمایند: «ما چه کاره ایم که شما را شفاعت کنیم؟» و بعد با اشاره به پدر و مادر شهید، می فرمایند: «این خانم باید من و شما را شفاعت کند، این آقا و این خانم...» داماد خانواده می گوید: «نه حاج آقا! قول بدهید! امشب باید به ما قول بدهید!» رهبر فرزانه انقلاب با اشاره به سردار سلیمانی، می فرمایند: «این آقای حاج قاسم هم از آنهایی است که شفاعت می کند، ان شاء الله.» حاج قاسم سرش را پایین می اندازد. داماد خانواده شهید می گوید: «بعد از آن دیدار، حاج قاسم را ندیدم تا ماه رمضان که طبق هر سال سردار یک شب به بچه های جبهه و جنگ، افطاری می دهد. آن سال وقتی برای افطاری رفتم، همان جلوی در، از حاجی قول شفاعت خواستم. سردار سلیمانی کتمان کرد و می خواست ششانه خالی کند، که گفتم:

«حاجی! والله اگر قبول ندهی، داد می زنم و به همه مهمان ها می گویم آقا درباره تو چه گفتند!» حاج قاسم که دید اگر قول ندهد، همه را خبر می کنم؛ لبخندی زد و گفت: «باشد، قول می دهم؛ فقط صدایش را در نیاور!»



صادقانه

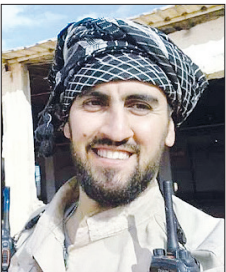
ویژگی رهبر جامعه

کسی که خود را پیشوای مردم قرار داده، باید پیش از آموزش دیگران، خود را آموزش دهد و پیش از آنکه دیگران را با زبان، ادب بیاموزد، با کردارش ادب آموزد و البته آموزش و ادب آموزی خودش، بیش از آموزگاری و ادب آموزی مردم شایسته تجلیل است.

منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خونی)
ج ۲۱، ص ۱۰۷

قبیله عشق

نعمت ولایت



با کمک دوستان و خیران، بسته های مواد غذایی در بین خانواده های نیازمند پخش می کردیم. به خانه ای رسیدیم که در آن دو فرزند معلول و پدری بیمار و مادر ی رنج دیده زندگی می کردند. پس از آنکه بسته را به دست آنها دادیم؛ گفتند: «از طرف چه کسی است؟» گفتیم: «از طرف شهید فریدونی!» با شنیدن نام محمد، به گریه افتادند و گفتند: «محمد در هفته چند بار به ما سر می زد، با کودکانم بازی و آنها را استحمام می کرد.» او همیشه در خط ولایت بود و دلسوز و کمک حال محرومان بود.

به نقل از دوستان شهید محمد مهدی فریدونی

محمد مهدی فریدونی تنها فرزند پسر خانواده، در سال ۱۳۶۶ در فسا به دنیا آمد. او پس از اتمام تحصیل سربازی را در سپاه پاسداران گذراند؛ در همین دوره به سپاه علاقه مند شد و در سال ۱۳۹۵ به این نهاد پیوست، به دلیل تخصص در رشته زبان انگلیسی، به عنوان مدرس در دانشگاه امام خمانه ای، مشغول فعالیت شد؛ ولی به دلیل علاقه وافر به حضور در سوره و دفاع از حرم حضرت زینب(س)، از فرصت تدریس چشم پوشی کرد و با پافشاری فراوان، به سپاه قدس پیوست. او ارادتمند رهبری بود و در وصیت نامه اش خطاب به مردم ایران نوشت: «بدانید دشمن درصدد ضربه زدن به ولایت فقیه و امام خامنه ای است. اگر مستی کنید و تعلل ورزید، خدا این نعمت را از شما می گیرد و آن را به شکل بدی جایگزین می کند.» محمد مهدی در ۱۳ خرداد ۱۳۹۷ در شب ضربت خوردن مولی علی(ع) با زبان روزه و تشنه به شهادت رسید.

حسن ختام

او خواهد آمد...

انتظار، یعنی دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر! دورانی خواهد رسید که قدرت قاهره حق، همه قله های فساد و ظلم را از بین خواهد برد. بشریت که با عطش تمام، منتظر امام زمان(عج الله تعالی فرجه الشریف) است و می خواهد مهدی موعود بیاید و چشم انتظار آن حضرت است، برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند. این است آن پیامی که انقلاب اسلامی برای دنیا دارد و خودش هم متعهد و متکفل آن است. انتظار فرج، انتظار دست قاهر قدرتمند الهی – ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسان ها سیطره ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسان ها را بنده واقعی خدا کند.

انتظار حرکت است؛ انتظار سکون نیست؛ انتظار رها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار حرکت است. انتظار آمادگی است.

گزیده ای از سخنان حضرت آیت الله خامنه ای پیرامون امام زمان(عج)